

## زنان در آیات و احادیث

نویسنده: احمد حیدری کارشناس ارشد علوم قرآنی

مقدمه ای در فهم روایات نکوهش زنان

در مورد زنان در قرآن و روایات سخنان زیادی آمده است که ظاهر بعضی بر نکوهش جنس زن دلالت دارد؛ و با توجه به این آیات و روایات، افرادی دید اسلام را نسبت به زنان منفی شمرده اند. برای این که در این وادی دچار بدفهمی و داوری نادرست نشد، باید ابتدا با استناد به آیات محکم و ادله ی صریح نظر اسلام را در مورد زن دانست و بعد با توجه به آن نظر کلی که اصل و اساس کار می شود، این آیات و روایات را بررسی و معنا کرد. مبانی قرآنی و روایی معتبر عبارتند از:

۱. بنا بر متن اصلی اسلام یعنی قرآن، زن از همان خمیرمایه ای آفریده شده که خمیرمایه آفرینش مرد بوده است. (هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها) (اعراف، آیه ی ۱۸۹) پس زن و مرد از حیث ذات یک سان و هم مرتبه می باشند و مرد بر زن برتری ذاتی ندارد.

۲. مخاطب قرآن نه مرد، بلکه انسان اعم از زن و مرد است. (ناس، بنی آدم، انسان)

۳. از نظر قرآن نه مرد برتر است و نه زن، بلکه برتر و مقرب تر در نزد خدا (که حقیقت برتری است) مردان و زنانی اند که تقوای بیش تری دارند. (انا خلقناکم من ذکر و أنثی و... ان اکرمکم عندالله اتقاکم) (حجرات، آیه ی ۱۳)

۴. برخلاف توهم گذشتگان که عمل زن را ارزش مند و مقبول درگاه خدا نمی دانستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۰) از نظر اسلام هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و ملاک قبولی اعمال، صالح بودن آن ها و ایمان عمل کننده است. (من یعمل من الصالحات من ذکر او أنثی و هو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیرا) (نساء، آیه ی ۱۲۴) و (انی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او أنثی) (آل عمران، آیه ی ۱۹۵)

۵. مسئولیت اجتماعی زن و مرد یک سان است. (المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر) (توبه، آیه ی ۷۱)

۶. چون زن و مرد دو جنس هستند و تفاوت هایی در استعداد و توانایی ها دارند؛ از حیث حقوق و تکالیف هم تفاوت هایی دارند. اگرچه آنان در حقوق و تکالیف متفاوتند؛ اما این تفاوت ها با ویژگی ها و استعدادهای هر کدام تناسب دارد و عدالت کاملاً لحاظ شده است.

تفاوت حقوق و تکالیف اگر مبتنی بر تفاوت های طبیعی و خلقتی و متناسب با آن ها باشد، ظلم نیست؛ بلکه عین عدالت است. تساوی حقوق و تکالیف در شرایطی که از حیث خلقت و ویژگی های خلقتی با هم تفاوت دارند، عین ظلم و بی عدالتی است.

۷. عدالت اقتضا می کند که بین حقوق و تکالیف هم تناسب برقرار باشد و در برابر هر حقی، تکلیفی؛ و در ازای هر تکلیفی، حقی باشد. اگر زن یا مرد تکلیف خاصی بر عهده می گیرد، در قبال آن از حق خاصی هم بهره مند گردد. اگر حقوق را به مردان بدهیم و تکالیف را بر گردن زنان بگذاریم؛ یا در قبال تکلیفی که بر زنان بار می کنیم، حقی برای شان قرار ندهیم؛ این عمل، ظلمی آشکار است. اما بهره مندی حقوقی بیش تر برای کسی که تکلیف بیش تری هم بر عهده دارد، ظلم نیست و عین عدل است.

۸. متأسفانه زن در طول تاریخ تحت ستم بوده و نتوانسته در جامعه، حتی در زمانی که حکومت اسلامی بوده (جز دوره ی محدود رسول خدا و امام علی)، به درستی رشد کند و بسیاری از دستورالعمل هایی که از معصومین صادر شده، ناظر به واقعیت های موجود اجتماعی است.

برای آگاهی یافتن از نگاه واقعی پیامبران و امامان راجع به جنس زن، باید رفتار آنان با همسران و دختران خویش را ملاک قرار داد. آنان زنان و دختران خود را تربیت کرده و مانند مردان و پسران شان رشد داده بودند و سیره ی عملی آنان با همسران، دختران و زنان مؤمن، نشان از دیدگاه واقعی آن ها نسبت به زنان دارد.

آنان در برخورد با زنان تربیت شده نشان می دادند که از نگاه آن ها زن و مرد مؤمن تفاوتی ندارد و اگر در معاشرت با زنان هشدارهایی داده شده، نسبت به زنان تربیت نشده است.

۹. معمولاً زن به طور طبیعی به زیور، لباس، زیبایی، آرایش و... اهمیت زیاد می دهد و این اخلاق ذاتی اگر جهت صحیح داده شود، در جهت استحکام زندگی خانوادگی و اجتماعی است. اما در جوامعی که حکومت حق و عدل حاکم نیست، این اخلاق زنان به صورت افراطی رشد داده می شود. لذا این خُلق زنان که می تواند عاملی برای حفظ استحکام خانواده و قوام اجتماع باشد، به عاملی برای از هم گسستن قوام زندگی خانوادگی و در هم ریختن نظم اجتماعی بدل می گردد.

۱۰. از طرف دیگر زنان و مردان نسبت به هم تعهد دارند و باید یک دیگر را امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ ولی چون مسئولیت اداره ی خانواده به مرد سپرده شده، بدین جهت مسئولیت او بیش تر است. مرد علاوه بر حفظ خود، نسبت به سلامت فکری و اعتقادی خانواده اش هم مسئولیت خاصی دارد و بعضی از دستورها از باب این مسئولیتی است که بر عهده دارد. لذا این مسئولیت توهین به زن و فرزندان نیست، بلکه متعهد کردن مرد نسبت به آنان است.

۱۱۱. اگر حدیثی مخالف نص قرآن و مبانی یقینی فوق باشد، قطعاً آن جعلی است و سخن پیامبر و امامان نیست و نباید بدان توجه کرد. اما به آسانی نمی توان گفت این حدیث مخالف نص صریح قرآن است؛ زیرا چه بسا ما معنای صحیح حدیث را متوجه نشده باشیم؛ و اگر به معنای صحیح توجه پیدا کنیم، می بینیم که با قرآن منافات ندارد. با توجه به این که فهم درست احادیث مهارت فوق العاده می خواهد، عالمان در مقام بررسی حدیث و استنباط حکم بسیار سخت گیرند و به آسانی به یک حدیث اعتماد نمی کنند. آنان معنای ابتدایی و ظاهری را قبول نمی کنند و به استناد آن حکم صادر نمی نمایند.

در مقام نقل حدیث هم نباید هر چه را عنوان حدیث دارد، بدون بررسی سندی و متنی نقل کرد و از طرف دیگر نباید هر حدیثی را که مخالف قرآن پنداشته می شود، فوری از کتب حدیث حذف کرد؛ چه بسا معنای صحیح حدیث را متوجه نشده باشیم و آیندگان معنای صحیح حدیث را متوجه شوند و ببینند که بین آن حدیث و قرآن، منافاتی نیست. باید برای نقل حدیث یک حداقلی در نظر گرفته و هر حدیثی که آن حداقل را دارد، نقل شود و بررسی بیش تر را به خود فتوا دهندگان و استنباط کنندگان و اهل روایت و درایت سپرد.

اگر گذشتگان می خواستند با میراث حدیثی این گونه رفتار کنند و هر حدیثی را که هم راستا با قرآن ندانسته یا منافی با قرآن می پنداشتند، حذف کنند؛ امروز میراث حدیثی بسیار ناچیز بود.

برای بررسی یک حدیث از لحاظ متن و محتوا، ابتدا باید اصول و چارچوب های اسلام و قرآن را به دست آورد و آن حدیث را با دقت بر اصول و چارچوب ها عرضه کرد و در مجموعه ی احادیث دید تا به معنای آن راه یافت؛ و علاوه بر آن، صحیح یا جعلی بودنش را متوجه شد. دیگر این که اگر حدیثی از حداقل اعتبار سندی برخوردار است، باید سعی کرد معنایی هم راستا با قرآن، اصول و مبانی دین برایش پیدا کرد؛ به گونه ای که هم حدیث را رد نکرده و هم معنایی منافی با مبانی برایش نپذیرفت.

با توجه به این مقدمه؛ بسیاری از روایات که به ظاهر بر نکوهش جنس زن دلالت دارد، بیان حقیقت وجودی زن است و در مقام ارزش گذاری مثبت یا منفی نیست. اگر آن حقیقت وجودی در راستای صحیح قرار گیرد، زن را اوج می دهد و شایسته ستایش می گرداند و اگر در راستای غلط قرار گیرد، زن را تنزل می دهد و پست می گرداند. بسیاری از این روایات گر چه در نگاه اول تحقیرکننده ی زن هستند، ولی توجیه صحیح و معقول دارند. بسیاری از این روایات جعلی هستند و...

در شماره های آینده به بعضی از این احادیث در ارتباط با زنان نظر کرده و توضیحاتی در راستای معنای صحیح و معقول آن ها، ارایه خواهد شد.

منابع:

-قرآن کریم.

-طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ترجمه: موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.